



ضمایر آنها

## «هویا» و «کوسه» پیش می‌روند

علی عطشانی و مرتضی آتش زمزم فیلم‌های خود را پیش می‌برند؛ یکی در تهران و دیگری در ترکیه کوونکار سینماگران را هم با قفسه روبه رو کرد. هر چند فیلم‌نامه‌نویسان به کارشناس گوش خانه‌ادامه دادند، اما بازیگران و کارگردان‌ها با وقfe ای در کار خود روبرو شدند که به مرور و بارعایت پروندهای بهداشتی دیواره در حال فعل شدن هستند. این‌ساز ادامه فیلم‌باری کمدی فانتزی «هویا» به کارگردانی منطقی آتش زمزم رسیده‌با الهم ازیاع‌های ایرانی ساخته و در ان به نور و گیاه، توجه و پژوهی داشته‌اند. مهر

آلبوم خراسان شمالی به خوانندگی سه‌هزار محمدی از مدتی قبل در فضای مجازی مورد توجه کاربران قرار گرفته



مهدی‌هاشی و تهنه‌کنندگی سید محمد احمدی هم که ۱۱ مرداد در تهران به پایان رسید، بازشدن مزه‌ها در ترکیه ادامه پیدا کند. فیلم‌باری کوسه دست‌کرکی طی چند روز اخیر آغاز شده و مهدی‌هاشی، مهران احمدی و مهسا کامایی مقابل دورین رفتنه است.

مهران احمدی، سیما تیرانداز، بهنار جعفری، ریحانه پارسا، محمد جواد جعفری‌پور، مهران رجبی، بهزاد خرازی، مهسا کامایی، فرانک حسینی، احمد رضا موسوی، آن ماری سلامه از لبنان و آسیاتاشکین از ترکیه با حضور پژمان جمشیدی بازیگران فیلم کوسه هستندکه براساس فیلم‌نامه‌ای از پیمان عباسی ساخته می‌شود.

## ایران، نامزد جایزه معترف معماری

پرده‌یس خانه که بالاهم ازیاع شده، نامزد جایزه‌زنی، یکی از مهم‌ترین جایزه‌های جهان در حوزه معماری شد. جایزه‌زنی یکی از معترف‌ترین جایزه‌های معماري و طراحی در جهان است که هرسال در شهر لندن برگزار می‌شود و بهترین طراحان و معماران را معرفی می‌کند. نیما و سینا کیویان این ساخته‌مان مسکونی را که اکنون به مرحله نیمه‌نهایی جایزه‌زنی رسیده‌با الهم ازیاع‌های ایرانی ساخته و در ان به نور و گیاه، توجه و پژوهی داشته‌اند. مهر

لهستان به عنوان نخستین کشور، نماینده خود را درخشش بهترین فیلم بین‌المللی جایزه‌اسکار ۲۰۲۱ معرفی کرد. «هرگز دنبابه برف نمی‌باره» (مالگزاتا شوموفسکا) نماینده لهستان در رقابت‌های جایزه‌اسکار ۲۰۲۱ خواهد بود. این فیلم که جدیدترین اثر کمدی درام شوموفسکا محسوب می‌شود در سپتمبر را قایق در جشنواره بین‌المللی فیلم و نیز اکران جهانی اش را آغاز خواهد کرد. /ایستا

## سهراب بخشی دیروز درگذشت؛ هنرمند برجسته موسیقی مقامی که دو تاروازی‌ها یش بخش مهمی از حافظه موسیقی نواحی ایران خواهد بود



می‌شود در سایه‌اش آمد. درخت‌ها و ادم‌ها رسماً های مشترکی دارند. مثلاً هر آدمی یک روز می‌میرد و هر درخت‌های هم‌یک روز می‌افتد. هر چند همه هستی مرگ را بگویی‌ای تجربه می‌کنند اما آدم‌ها و درخت‌ها این فرست را دارند که از ایک ساقه کم‌جان تبدیل شوند به موجودی که

می‌شود در سایه‌اش آمد. درخت‌ها و ادم‌ها هردو هر قدر بازشان بیشتر است، سرشان را پایین ترمی‌گیرند و آماش و فروتنی بیشتری دارند. درخت‌ها و آدم‌ها شاید بیش از هرچیز در طبیعت زندگی بیخشنند. درخت‌ها اما بایلاخره روزی برمی‌افتد و مروزه‌ای... آدم‌ها اسماً توانند بعد از مرگ‌شان هم پیشوند یک یا تنه‌های ری، یک اتصاد، نوشته... و دوست است که عمر آدم‌ها از درخت‌ها کمتر است. اما اگر بی‌اهمیت می‌توانند سال‌ها و حتی قرن‌ها بعد از ایک درخت زندگی کنند.

دیردش سه‌هزار محمدی معروف به «سهراب بخشی»

درگذشت، از ای‌بازمانده‌های حق بخشش‌های ایران که

سال‌هادر خراسان شمال‌زندگی کرد و در سال‌گی برادر

ایست قلبی درگذشت. او اخیرین نزدمند بازمانده از نسل

بخشی‌های خود بندگانچه شمال خراسان بود که یا بشی

تاهمیشه خالی خواهد بود. چندی پیش کفته و گویی با

سهراب بخششی انجام دادیم که توانید بخش‌های ایران که

و خاندانی از از نظر یک‌نگاره از این‌شنبین آن‌وم

موسیقی «شمال خراسان» هم غافل نشود. آبوموسی

که زندیه‌ای محمدی برای خود انتصامت ای در سال

چایزه‌ای بارگردانی خود انتصامت ای از آن‌بانام

شاده‌جان در فضای مجازی موده توجه بسیاری هست.

چرا؟

چون تنها سایری است که در عزای امام حسین (ع)

می‌نالدو می‌تواند با گروه تعزیه همراهی کند. البته دف

هم بی‌نفس است. بقه سازها همه نقص دارند، دوتار

هم نقص دارد.

دف چرا کامل است؟

(باخنده) اسرازما بخشی‌هاست، نمی‌شود همه چیزرا

بگویم که...

پس ابراهیم‌ای بقیه سازها و تارهم جزو اسرازراست

حتماً!

هم‌ترکی می‌خواهد که اسیل‌تر است.

اصل خواندن با دوتار ترکی است، کردی زدن و خواندن

خیلی سخت است اما می‌تواند با این که هر دوزیان رام دانم

فقط کردی می‌خوانم.

خوب ترکی هم بخوانید.

مگر من بخشی سرخونه‌ام که همه جو به نیم و

خوانم!

«بخشی سرخونه بعنی چه؟

می‌شود، یک لته‌ای از آن پاره‌می‌شود و حال خودش را از بین اگریک بخشی به دو زبان بخواند اصالت کارش از دست می‌دهد. اکر لته‌ای دیگر نباشد نمی‌تواند بخشی سر خونه‌ی این را بخواهد. یعنی این بخشی کیا وی سواد است. همه سازی می‌زند و به همه زانی می‌خواند. بخشی ایک مسیررا هام‌رقت، اما اگر جو است جمع نبود سازت را الال می‌کردن. یعنی اگر ایدم یک مسیر را پیش نزد می‌شود بخشی

سرخونه‌نمای مگر این مسیر گوییم و استان هم بنویسیم.

من از کارشما خابر ندازم اما یک بخشی به داد اصالت خودش رانگه دارد. اصل‌اکدیم که یک مسیر را بگیرد و برو

موفق تری شود، نزد می‌شود بخشی سرخونه‌ی از

هرچیز کمی که می‌داند. خلاصه که من بخشی سر خونه‌ی

نمی‌دانستند. می‌دانند که نشوند بقیه هم نگاه نداشته باشند.

نندش بقیه هم نشوند بقیه هست.

در رشم‌ها بخشی بوده، فرزندان تان هم بخشی

ستند؟

من هفت پشت بخشی بوده، بجهه های

بعضی‌هایشان سازی‌زند. توی عروسی‌های خودمان

چه کنم؟ طب طرف مقابل هم نمی‌دانست اما بقیه هم نزدیکی دارد. اصل‌اکدیم که یک ایک را بخواهد

چه کنم؟ اما او ای‌گشتنش را تویی‌گوش کرد و برو

راوغن درون گوش آلوهه کرد. سازاری گرفت

انگشتش را تویی‌گوش کشید و همیزه‌ی ایک را

تازار لال شدند. همین‌که تارت لال می‌شد هم از دور را بقایه سازی کرد. همین‌که همین‌که...

دور را بقایه سازی کرد. همین‌که همین‌که...

دست‌تنان و اسرازش ایک را بقایه سازی کرد.

شده است؟

سیم صدای بقایه داریا بقایه بقایه بقایه

ابریشم را دادست داشت، کم صداست اما ماحرف

حال از سیم نبود. باید ابریشم آب خود را که به آن

می‌زند، صدایش جور دیگری است. انگار آدمی زیر لب با خودش حرفا‌های حساسی زمزمه می‌کند. آن جور

کال می‌گفتند، به هم می‌باشند و می‌شد تارهای ساز.

است...

کسی توانست سازش‌ماهی‌لک کند؟

نه، کسی توانست سر من کلاه بگذارد. ماتا هفت

ابریشمی را به هم می‌بافت تا بشوند و تارهای را خفت

پشت بخشی هستیم و کل‌ها و ناروهای همه را خوب

می‌گفت: می‌روی عروسی سازمی‌زنی این ابریشم داغ

می‌شناختیم.

چه کنم؟

می‌گفت: می‌روی عروسی سازمی‌زنی این ابریشم داغ

می‌شناختیم.

چه کنم؟

می‌گفت: می‌روی عروسی سازمی‌زنی این ابریشم داغ

می‌شناختیم.

چه کنم؟

می‌گفت: می‌روی عروسی سازمی‌زنی این ابریشم داغ

می‌شناختیم.

چه کنم؟

می‌گفت: می‌روی عروسی سازمی‌زنی این ابریشم داغ

می‌شناختیم.

چه کنم؟

می‌گفت: می‌روی عروسی سازمی‌زنی این ابریشم داغ

می‌شناختیم.

چه کنم؟

می‌گفت: می‌روی عروسی سازمی‌زنی این ابریشم داغ

می‌شناختیم.

چه کنم؟

می‌گفت: می‌روی عروسی سازمی‌زنی این ابریشم داغ

می‌شناختیم.

چه کنم؟

می‌گفت: می‌روی عروسی سازمی‌زنی این ابریشم داغ

می‌شناختیم.

چه کنم؟

می‌گفت: می‌روی عروسی سازمی‌زنی این ابریشم داغ

می‌شناختیم.

چه کنم؟

می‌گفت: می‌روی عروسی سازمی‌زنی این ابریشم داغ

می‌شناختیم.

چه کنم؟

می‌گفت: می‌روی عروسی سازمی‌زنی این ابریشم داغ

می‌شناختیم.

چه کنم؟

می‌گفت: می‌روی عروسی سازمی‌زنی این ابریشم داغ